

صلح جهانی از دیدگاه امام خمینی

□ زهرا صالحی

چکیده مقاله:

در نوشته حاضر، چگونگی تحقق صلح جهانی از منظر امام خمینی^(س) بررسی شده است. از این رو سه نگره مطرح شده است: دو نگرشی که تحقق صلح را در نبود جنگ می‌دانند و سلبی‌نگر هستند و در ارائه راهکارها متفاوتند و نگرش سوم که بر اجرای عدالت اقتصادی در ایجاد صلح تأکید می‌نماید.

نویسنده با بررسی صلح در فرمایشات امام، نگرش ایشان را در دیدگاهی مستقل می‌داند که بسیار جامع و کامل است و نگره‌های فوق نیز در آن تلفیق شده است. امام توقف جنگ و تحقق عدالت و اخلاق را لازم و ملزوم یکدیگر و شاخصه‌های اصلی در استقرار صلح بر می‌شمارند و صلح واقعی را از صلح غیر واقعی متمایز می‌کنند و صلح واقعی را وعده الهی و هدف نهایی بعثت انبیاء می‌دانند که با ظهور حضرت ولی عصر(عج) استقرار خواهد یافت. تفصیل مباحث را به همراه مستندات در ادامه پی می‌گیریم.

واژه‌های کلیدی: صلح، فقدان جنگ، عدالت، امام خمینی.



مقدمه

نگرش‌های مختلف در مورد صلح

برخورداری از صلح و آرامش حق تمام ملت‌ها است و در سایه آرامش و صلح است که استعداد‌های بشر شکوفا می‌گردد، اما صلح چگونه تحقق می‌یابد؟ به طور کلی سه نگره طرح شده است؟

الف) نگرش آرمان‌گرایی:

آرمان‌گرایی با تأکید بر غیر عقلانی بودن جنگ و هزینه‌های گزاف آن سعی داشت با تأسیس نهادهایی چون جامعه ملل و با همکاری کلیه کشورها، راه بروز جنگ را سد نماید و به این ترتیب صلح را در کانون توجه بین‌المللی قرار دهد. منظور از صلح در اینجا صلح منفی در مقابل صلح ایجابی و به معنای نبود جنگ است. بدین گونه آرمان‌گرایی به ابعاد ظاهری مسئله توجه نموده نه به علل و مبادی آن و با وقوع جنگ دوم جهانی محصول این نگرش یعنی جامعه ملل فروپاشیده و این نگرش به حاشیه رانده شد. در این رویکرد بر شکل‌گیری ساختاری فراملی تأکید می‌شد که بتواند بازیگران ملی را در درون خود جای دهد و هدایت نماید و انسانها را انطباق‌پذیر و متأثر از سازمان‌های جهانی می‌داند.^۱

ب) نگرش واقع‌گرایی:

نگرش دوم در مطالعات صلح بعد از وقوع جنگ جهانی دوم شکل گرفت، اندیشه‌مندان واقع‌گرا مهم‌ترین اصول آرمان‌گرایان یعنی عقلانی بودن انسانها و تحقق‌پذیری صلح مطلق را مردود شمردند. این نگرش از هنجارهای عالی دور شده و بر واقعیت‌ها و داده‌های تجربی متمرکز می‌شود که به دلیل سلطه عملی آمریکا متأثر از مکاتب آمریکائی بوده است. این نگرش راهکارهایی همچون «بازدارندگی» و «کنترل تسلیحات» و نظریه بازیها را مطرح می‌کند که سعی در تحقق صلح در چارچوب حفظ وضع موجود دارد.^۲

ج) نگرش رادیکالیزم:

اندیشه‌مندان در این نگرش رادیکال، کاپیتالیسم را عامل اصلی جنگ و منازعه خشونت‌آمیز می‌دانند و حلول روح کاپیتالیستی را در پیکره نظام سیاسی جهان علت‌العلل درگیری و منازعه می‌دانند.^۳

از منظر رادیکالها ممانعت از جنگ و تحقق صلح بوسیله راهکارهای سنتی و تلاش برای ایجاد توازن قوا کارآمد نیست، تنها راه حل اصلی، تغییر و تحول در ماهیت طبقاتی این نظام سیاسی است و این کار نه از طریق سیاستهای جاری مبتنی بر حفظ وضع موجود یا اصلاح بلکه از طریق انقلاب ممکن پذیر است. روابط شمال و جنوب به گونه‌ای طراحی شده که افریقا و آسیا تحت سلطه جهان سرمایه‌داری قرار گیرند و شکل‌گیری نوع جدید استعمار مورد نظر است. اندیشه‌مندان این نگرش به دنبال راهی برای تغییر سرمایه‌داری و نه اصلاح آن هستند.

رادیکالها برخلاف رئالیستها و ایده‌آلیستها صلح ایجابی را مطرح می‌کنند که بدون تحقق موضوعات مهمی چون عدالت اجتماعی، توزیع قدرت و منابع از طریق برهم زدن مناسبات پیشین غیرقابل تحصیل به نظر می‌رسد.

در این رویکرد به جای دولتها که در رویکرد قبلی کانون توجه بودند، وضعیت سیاست جهانی مورد توجه بوده و محور اصلی تحلیل نوع رابطه دولتهای فقیر و ثروتمند در سطح بین‌المللی و در داخل «نوع رابطه فقر و ثروتمندان» مورد نظر است.^۴

مسئله صلح در آرای امام خمینی گرچه به نگرش سوم نزدیک است اما به دلیل اینکه از مبانی اسلامی نشأت گرفته است و همچنین بر عدالت به طور مطلق تأکید می‌کند خود نگرشی مستقل محسوب می‌گردد. در آرای امام، مسئله صلح جهانی به صورت مستقل بحث نگردیده است بلکه به صورت محتوایی با واژه‌های مختلف مورد اشاره قرار گرفته است از جمله: عدالت، احقاق حق مظلومان، عدم جنگ طلبی، مأموریت انبیاء و... از این رو در آثار ایشان نباید در پی دانش واژه صلح بود.

در این مقاله مسئله صلح جهانی در روابط بین‌الملل از منظر امام مورد بحث قرار می‌گیرد و



□ «ما به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح باشد»

□ امام خمینی، صلح را توقف جنگ به تنهایی نمی داند بلکه تحقق صلح را توقف جنایات و احقاق حق مظلومان و محرومان می داند

مسائل حقوق بین الملل و شرایط صلح بین کشورهای متخاصم مورد نظر نیست.

چیستی صلح از منظر امام

از آنجا که صلح به عنوان موضوعی فرعی در مطالعات امنیت ملی مطرح بوده است، بیشتر مفهوم تهدید و زور نظامی در کانون توجه بوده و اندیشه گران حوزه امنیت برای صلح استقلال ذاتی قایل نبوده اند، بنابراین صلح به عنوان یک مسئله حاشیه ای تحت الشعاع مسائل مختلف قرار گرفته و برداشتهای گوناگونی از آن ارائه شده و در نتیجه تعریف و تفسیر واحدی از صلح وجود ندارد.^۵ در ادامه دو تعریف عمده از صلح را مورد بررسی قرار می دهیم:

الف) صلح به معنای نبود جنگ و توقف نزاع و درگیری، در اینجا معنای سلبی صلح مدنظر است که در مقابل صلح ایجابی قرار می گیرد. صلح به معنی فقدان مخاصمات و جنگ بعد از جنگ جهانی اول توسط آرمان گرایان و بعد از جنگ جهانی دوم توسط رئالیستها یا واقع گرایان مطرح شد که هر دو، رویکردی سلبی نگر دارند. اگرچه راه حل های متفاوتی از سوی این دو طیف در برپایی صلح مطرح شده است اما هر دو تحقق یک نوع صلح و یک تفسیر از مسئله صلح را مدنظر دارند.

ب) صلح به معنای استقرار عدالت و مساوات که از آن به صلح ایجابی تعبیر شده است که

در مقابل صلح سلبی قرار می‌گیرد. در این تعریف صلح وقتی ایجاد می‌گردد که مساوات و برابری و عدالت برپا شده و شکاف بین کشورهای فقیر و ثروتمند کاهش یابد. صلح بدین معنا که از سوی رادیکالیستها یعنی مارکیستها و نومارکیستها مطرح شد در آن بر عدالت اقتصادی تأکید شده و نابرابری‌های اقتصادی عامل اصلی جنگ و نزاع‌ها معرفی شده است.^۷

در نظرات امام در مورد صلح بیشتر بر صلح ایجابی تأکید شده به گونه‌ای که برپایی عدالت و توسعه ارزشهای انسانی و اخلاقی زمینه‌ساز ایجاد صلح و نبود جنگ معرفی گشته و به گونه‌ای صلح ایجابی و سلبی تلفیق شده و گرچه صلح سلبی نتیجه صلح ایجابی محسوب می‌گردد و از سوی دیگر قدم اول در تأمین صلح ایجابی و تحقق عدالت نبود جنگ است. امام می‌فرماید:

ما همیشه صلح طلبیم، لکن نه صلحی که جانی را بر سر جنایت خودش باقی بگذارد، همچو صلحی صلح نیست.^۸

این سخن امام، علاوه بر اینکه بر صلح طلبی ما به عنوان یک ملت مسلمان تأکید می‌نماید صلح را توقف جنگ به تنهایی نمی‌داند بلکه تحقق صلح را در توقف جنایات و احقاق حق مظلومان و محرومان می‌داند.

از آنجا که تعریف صلح در دیدگاه امام بر گرفته از مبانی و تعالیم آسمانی اسلام است امام صلحی را قابل قبول می‌داند که مورد تأیید اسلام باشد یعنی با اصول و مبانی آن منافات نداشته باشد. امام می‌فرماید:

صلح یک اموریست که به تبع اسلام قبول کردیم.^۹
می‌توان مسئله صلح را در بیانات امام به دو بخش تقسیم کرد که عبارت از:

- ۱- صلح غیر واقعی
- ۲- صلح واقعی که هر کدام را به دو صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم:

صلح غیر واقعی از دیدگاه امام

امام صلحی که فقط بر فقدان و نبود جنگ اصرار دارد صلح غیر واقعی می‌داند. در این نوع



□ صلح اسلامی صلحی است که برادر می‌شوند بعد از صلح، ما طالب این صلح هستیم

□ هدف نهایی و اصلی انبیاء در همه ادیان برپایی عدالت و ستاندن حق ستمدیدگان بوده است

صلح عدالت و احقاق حق مظلومان مدنظر نمی‌باشد. در این نوع از صلح متجاوزان بر سر جنایت خود باقی مانده و آنچه را که با تجاوز بدست آورده‌اند حق خود می‌دانند.

ما همیشه صلح طلبیم، لکن نه صلحی که جانی را بر سر رضایت خود باقی بگذارد، همچون صلحی صلح نیست.^{۱۰}

هنگامی که متجاوزان احساس می‌کنند ادامه جنگ ممکن است مواضع و منافع آنها را به خطر اندازد و یا قادر به ادامه جنگ نیستند صلح را پیشنهاد می‌کنند ولی آنچه در این صلح مورد نظر است حفظ وضع موجود است تا بدین ترتیب سرزمینها و منافع را که بدست آورده‌اند تثبیت کرده و قوای خود را برای تجاوز بیشتر در آینده تقویت نمایند. در اینجا آنچه مدنظر قرار نمی‌گیرد حق ستمدیدگان و مظلومان است و حق مستضعفان و محرومان همانند جنگ در این صلح پایمال می‌گردد و فقط منافع مستکبران و استعمارگران تأمین می‌گردد. امام می‌فرماید:

«کشورهای ضعیف اینطورند در حال صلح مورد ناخت و تازند و ذبح و در حال جنگ هم همینطور. ما حال صلح مان بدتر از حال جنگمان بود در حالی که دنیا در صلح به خیال خودشان آرامش و صلح بود، این قوای بزرگ جنگ نداشتند، فرصت داشتند که همه چیز ما را از دست بدهند، بگیرند از ما.»^{۱۱}

امام به جنگ جهانی دوم اشاره می‌کنند که ایران بوسیله متفقین اشغال شده و منابع ما مورد غارت بیگانگان قرار گرفت و این امر بعد از استقرار صلح بین کشورهای بی‌خون بود.

ادامه داشت و این در حالی بود که ایران بی طرفی خود را اعلام کرده بود، مردم ستم‌دیده و محروم در این مقطع زمانی چه زمان جنگ و چه صلح روز به روز گرسنه‌تر و فقیرتر می‌شدند و منابع غذایی همچون غلات به جای اینکه شکم گرسنه مردم را سیر کند به سربازان بیگانه اختصاص داده شده بود و این در حالی بود که کشورهای درگیر، مصالحه کرده و جنگ پایان یافته بود.

یکی دیگر از ویژگی‌های صلح غیرواقعی در دیدگاه امام این است که در صلح غیرواقعی اگرچه در ظاهر کشورهای درگیر، صلح کرده و جنگ پایان یافته است ولی باطن‌شان در جنگ است و هر دو طرف در پی فرصتی هستند که با تجاوزی دوباره، منابع و سرزمین کشورهای دیگر را تصرف و به اهداف تجاوزکارانه خود دست یابند.

«در زمانهای سابق دولت‌ها با هم صلح می‌کردند در عین حالی که صلح می‌کردند باطن‌شان

در جنگ بود که چه وقت فرصت پیدا بکنند و بچاپند همه را»^{۱۲}

استقرار صلح بعد از جنگ جهانی اول را می‌توان از مصادیق صلح غیر واقعی شمرد: بعد از جنگ جهانی اول آرمان‌گرایان با غیر عقلانی خواندن و هزینه‌های گزاف جنگ اقدام به تأسیس نهادهایی چون جامعه ملل کردند تا بدین ترتیب مانع وقوع جنگ شده و صلح پایدار را ایجاد نمایند. در این مقطع زمانی فقط صلح منفی (سلبی) یعنی نبود جنگ مطرح بود، بی‌توجهی به عدالت و مساوات و تثبیت ساختاری جدید از قدرت باعث گردید ساختارهای شکل گرفته و توازن قوای حاصل شده نتواند مانع از بروز جنگ جهانی دوم شود.^{۱۳}

استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی نیز با طرح صلح خاورمیانه، در جهت استقرار صلح غیرواقعی و غیر قابل قبول از سوی مسلمین و اسلام تلاش می‌کنند. آنان فلسطینیان و اعراب را به صلحی فرا می‌خوانند که در آن اسرائیل به عنوان یک کشور مورد شناسایی قرار گرفته و تجاوزات این رژیم مشروع و قانونی تلقی شود. و از سوی دیگر مبارزات مردم مظلوم فلسطین که در جهت آزادسازی خاک و سرزمین خود علیه اشغالگران انجام می‌گیرد غیر مشروع و غیرقانونی تلقی شده و از آنها جلوگیری شود.

امام اعراب را از پذیرفتن این صلح و سازش بر حذر می‌دارند و فلسطینیان را به مبارزه برای



احقاق حق خویش و بیرون راندن اشغالگران فرا خواننده و معتقدند صلح و سازشی که ذلت و خواری مسلمین را به همراه داشته و تأمین کننده منافع مستکبرین و اشغالگران باشد از نظر اسلام مردود است:

«آیا سران قوم نمی‌دانند و ندیده‌اند که مذاکرات سیاسی با سیاستمداران قدرتمند و جنایتکاران تاریخ، قدس و فلسطین و لبنان را نجات نخواهد داد و هر روز بر جنایات و ستمگری‌ها افزوده خواهد شد؟ باید برای آزادی قدس از مسلسل‌های متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده و بازی‌های سیاسی را که از آن بوی سازشکاری و راضی نگه‌داشتن ابرقدرت‌ها به مشام می‌رسد کنار گذاشت».^{۱۴}

به وضوح می‌توان دریافت براساس اندیشه‌های امام بحران خاورمیانه و مسئله فلسطین از طریق صلح و سازش اعراب و اسرائیل و شناسایی اسرائیل قابل حل نیست، بلکه تنها راه حل آن بازگشت ملت‌های منطقه به دامن اسلام و گسترش نهضت پیداری اسلامی و وحدت مسلمین در جهت ریشه کن ساختن رژیم صهیونیستی است.

امام صلح مطرح شده از سوی صدام را نیز در جنگ تحمیلی ایران و عراق غیر واقعی و تأمین کننده منافع صدامیان می‌دانند و آنرا غیر قابل پذیرش دانستند. ایشان معتقد بودند پیشنهاد صلح از سوی صدام در آن مقطع زمانی (اوایل دهه ۶۰) در جهت تقویت قوا و هجومی دوباره بوده است و آن را ناشی از شکستهای آنان می‌دانست.

«آن روزی که هجوم می‌کنند آن حرف را می‌زنند، امروزی که تودهنی خورده‌اند برای اینکه فرصت پیدا بکنند دوباره هجوم کنند ادعا می‌کنند که آقا ما صلح طلبیم، هی صلح، صلح، صلح».^{۱۵}
«صلحی که صدام و استکبار جهانی پیشنهاد می‌نماید، صلحی است که منافع آنها را تضمین می‌نماید و به ضرر مستضعفین و امت اسلام می‌باشد به همین دلیل است که ایران زیر بار صلح تحمیلی آمریکا نرفته و نخواهد رفت».^{۱۶}

پس در نتیجه آنچه از فرمایشات امام در مورد صلح غیر واقعی مطرح شده باید گفت:

الف) در این صلح هدف توقف جنگ است و اجرای عدالت به هیچ وجه مورد نظر نیست.

ب) در صلح غیر واقعی حفظ وضع موجود و حفظ منافع حاصل شده توسط متجاوزان مورد

توجه است و بنابراین تضمین کننده منافع متجاوزان است.

ج) در این صلح طرفهای جنگ در باطن با هم دشمن هستند و بدنبال فرصتی برای هجوم دوباره.

د) بنابراین صلح غیر واقعی نمی‌تواند صلحی پایدار باشد.

صلح واقعی از دیدگاه امام

دیدگاهها و نظرات امام خمینی به عنوان یک رهبر اسلامی از مبانی شریعت اسلام و کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن نشأت می‌گیرد و در مسئله صلح نیز امام صلحی را قابل پذیرش می‌داند که برگرفته از اصول و تعالیم دینی باشد. پس باید گفت اولین و مهمترین شاخصه واقعی از دیدگاه امام عبارت از:

صلح یک اموریست که به تبع اسلام قبول کردیم.^{۱۸}

«ما به تبع اسلام با جنگ همیشه مخالفیم و میل داریم که بین همه کشورها آرامش و صلح

باشد».^{۱۹}

دین اسلام بر اصل بودن صلح تأکید می‌نماید و صلح و آرامش را لازمه رشد ارزشهای انسان و تعالی انسانها می‌داند و این بدان معنا نیست که جنگ را به طور کامل کنار بگذارد بلکه اگر در جهت اجرای عدالت و احقاق حق مظلومان باشد مشروع و مقدس می‌داند و از سوی دیگر هر گونه صلحی را نیز نمی‌پذیرد. بلکه صلحی را صحیح می‌داند که در جهت تحقق عدالت و مساوات و گسترش ارزشهای انسانی باشد، در غیر این صورت مردود است.

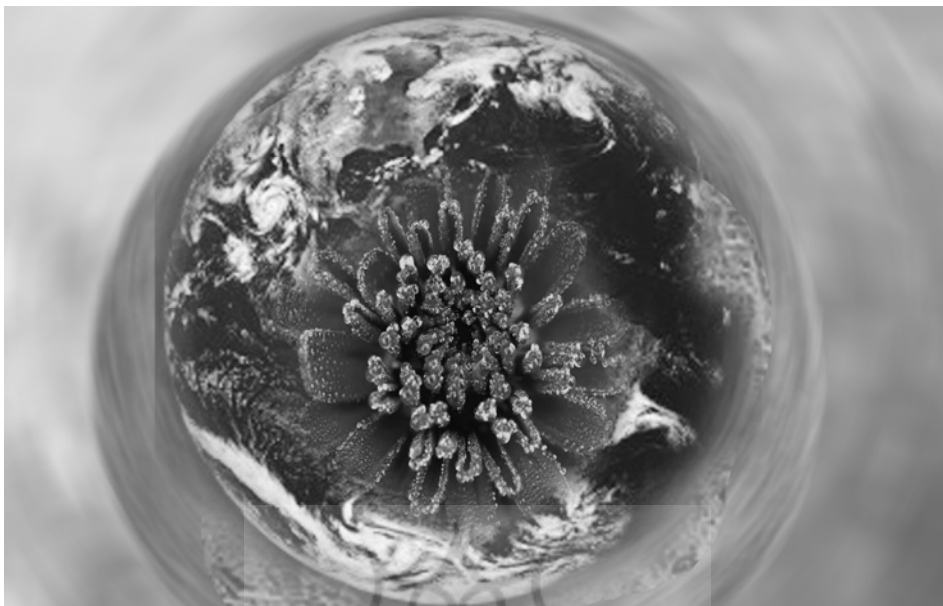
اولین و اصلی‌ترین ویژگی صلح واقعی از منظر امام اسلامی بودن و دینی بودن آن است که شاخصه‌های دیگر را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد.

دومین شاخصه صلح واقعی در دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، شرافتمندانه بودن صلح است، باید صلح به گونه‌ای باشد که عزت و افتخار و سربلندی را برای مسلمین به ارمغان آورد و بیش از گذشته ملت‌های مسلمان را در میان ملل دیگر سربلند و مطرح سازد.

«ما صلح را قبول داریم، ما صلح را استقبال می‌کنیم لکن یک صلح شرافتمندانه اسلامی».^{۲۰}

امام خمینی با اشاره به حقارت و ذلت حکام کشورهای اسلامی در مقابل جنایات و





اهانت‌های رژیم صهیونیستی و امریکا سازش و پذیرش صلح خاورمیانه را بر خلاف تعالیم و مبانی اسلامی دانسته و آن را مخالف با عزت و شرافت مسلمانان می‌دانند و حکام عرب را مورد سرزنش قرار می‌دهند:

«دشمن سرسخت مسلمین را می‌خواهید سلطه به او بدهید و می‌خواهید آرامش به او بدهید؟ ... شما اسرائیل را بشناسید او شما را نمی‌شناسد. و شما ایستادید و نشستید تا اسرائیل بر همه شما خدای نخواستہ حکومت کند».^{۲۱}

«ملت‌ها اگر نشسته‌اند که این دولت‌ها برای آنها جلو اسرائیل را بگیرند و جلو قدرت‌های دیگری که اینها را می‌خواهند به ذلت بکشند و نذایر آنها را ببرند، این توقع بی‌جایی است».^{۲۲}

در صورتی صلح، عزت و شرافت را برای مسلمین به همراه خواهد داشت که مسلمانان و

دولت‌های اسلامی در موضع ضعف نباشد بلکه در موضوع قدرت باشند در غیر این صورت صلح با متجاوزان جز ذلت حاصلی نخواهد داشت. شرافتمندانه بودن صلح برای مسلمانان در صورتی تحقق می‌یابد که تمام حقوق پایمال شده احیا شود و خسارت‌ها جبران گردد و گام اول برای نیل به

این اهداف توقف جنگ است در صورتی که جنگ متوقف نگردد گام‌های بعدی نیز تحقق نخواهد یافت.

«تا از خانه ما بیرون نروید و تا جرمهایی که کردید معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا ضررهایی که به ایران زدید جبران نشود... صلح معنا ندارد».^{۲۳}

از منظر حضرت امام لازمه صلح شرافتمندانه که عزت مسلمین را به همراه داشته باشد عبارت از:

- ۱- توقف جنگ و بازگشت نیروی مهاجم به پشت مرزها و تخلیه سرزمین‌های تصرف شده.
- ۲- تعیین هیئت برای تعیین متجاوز و مسئولیت جنگ و خسارات وارده.
- ۴- جبران خسارات وارده.
- ۵- استرداد اسرا.

سومین ویژگی صلح واقعی در آراء امام این است که بعد از صلح دو طرف متخاصم با یکدیگر برادر شوند و کینه‌ها و دشمنی را کنار گذارند و در جهت توسعه ارزشهای متعالی و اجرای مساوات و برادری با هم همکاری کنند و دیگر چشم طمع به سرزمین‌ها و منابع یکدیگر نداشته و علیه یکدیگر توطئه نکنند.

«صلح اسلامی صلحی که برادر می‌شوند بعد از صلح و ما طالب این صلح هستیم».^{۲۴}

ما صلح انسانی و الهی می‌خواهیم وقتی با یک کشوری صلح کنند همانطور که به اهالی آن کشور اینها برادر هستند با دولت آن کشور هم برادر باشند.^{۲۵}

از بین رفتن کینه‌ها و مخاصمات نیز به پابندی دو طرف در اجرای قرارداد صلح و اجرایی کردن مفاد آن در جهت اجرای عدالت و احقاق حق کسانی است که حقوقشان پایمال شده است یعنی هر چه مفاد قرارداد صلح دقیق‌تر و کامل‌تر اجرا شود، روابط عادی‌تر شده و به سوی دوستی و برادری پیش خواهد رفت. پس می‌توان گفت: صلح واقعی در نگرش امام به صلحی اطلاق می‌گردد که:

الف) با مبانی و اصول شریعت اسلام و کتاب الهی مسلمین مطابقت داشته باشد.

ب) عزت و شرافت مسلمین را به ارمغان آورده و شرافتمندانه باشد یعنی علاوه بر توقف جنگ، اجرای عدالت که از سوی امام در چند مرحله بیان شده رعایت گردد.



□ «حقیقتاً رأس همه خطاها، خطیبتها همین خودخواهی‌هاست و تا این خودخواهی‌ها در بشر هست، این جنگها و این فسادها و این ظلمها و ستمگریها هست».

ج) در نتیجه: این صلح باعث حل و از بین رفتن مخاصمات و کینه‌ها شده و روابط برادری و برابری بین دولتها و ملت‌های متخاصم حاکم گردد. این نکات مطرح شده از سوی امام نقاط برجسته تمایز میان صلح واقعی از صلح غیر واقعی است.

حضرت مهدی برپا کننده عدالت و صلح جهانی

هدف نهایی و اصلی انبیاء در همه ادیان برپایی عدالت و ستاندن حق ستمدیدگان بوده است. انبیاء الهی از سوی خداوند مأموریت داشتند تا مظلومان را از چنگال ظالمان برهانند و عدل و داد را در زمین برپا کنند و اخلاق و ارزشهای انسانی و الهی را گسترش دهند تا با تربیت انسانهای صالح زمین از شرارت‌ها پاک گشته و صلح واقعی در جهان برپا شود.

امام در سخنان‌شان منشأ همه ظلمها و بی‌عدالتی‌ها را خودخواهی بشر می‌دانند و مأموریت انبیاء را تربیت بشر شمرده تا با مسلح شدن به سلاح اخلاق و معنویت، خودخواهی را کنار گذاشته و حکومت عدل برپا و صلح استقرار یابد.

«حقیقتاً رأس همه خطاها، خطیبتها همین خودخواهی‌هاست و تا این خودخواهی‌ها در بشر هست، این جنگها و این فسادها و این ظلمها و ستمگری‌ها هست و انبیاء اینکه دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا متحقق کنند برای این است که حکومت عدل اگر باشد، حکومتی باشد با انگیزه الهی، با انگیزه اخلاق و ارزشهای معنوی انسانی، یک همچو حکومتی اگر تحقق پیدا بکند جامعه را مهار می‌کند و تا حد زیادی اصلاح می‌کند و اگر حکومتها به دست جباران باشد به دست

منحرفان باشد به دست اشخاصی باشد که ارزشها را در آمال نفسانی خودشان می‌دانند ارزشهای انسانی را هم گمان می‌کنند که همین سلطه‌جویی‌ها و شهوات است... بشریت رو به انحطاط است».^{۲۶}

یکی از دلایل مهم وقوع جنگ در اندیشه امام بودن اسلحه در دست اشخاص نالایق و ناصالح است که بوسیله آن بر مظلومان و محرومان ظلم کرده و حقوقشان را پایمال می‌کنند، یکی از اهداف مهم انبیاء در تحقق عدالت گرفتن اسلحه از دست اشخاص ناصالح و نالایق است. امام خمینی وقوع جنگ اول و دوم جهانی را ناشی از این عامل می‌داند.

حالا ما به آن تاریخ‌های دور نمی‌رویم، این جنگهایی که اخیراً یعنی در این صدسال در دنیا اتفاق افتاده است، جنگ جهانی اول، جهانی دوم، این جنگهایی که در ویتنام در این آخر اتفاق افتاده، این کشتارهایی که از مردم شد برای این بود که اسلحه‌ها در دست غیر صالح‌ها بود، ناشایست‌ها اسلحه را بدست داشتند.^{۲۷}

«از اول بشر مبتلای به همین مشکل بوده که اسلحه در دست اشخاص ناصالح بوده است. از اولی که بشر تمدن پیدا کرد به خیال خودش اسلحه‌ها در دست ناصالح‌ها بوده و همه مشکلات بشر همین معناست. تا خلع سلاح نشوند این اسلحه‌دارهای ناشایسته کار بشر سرانجام پیدا نمی‌کند».^{۲۸}

اولین و مهمترین گام در اجرای عدالت و تحقق صلح پایدار جهانی خلع سلاح ناشایست‌ها و مبارزه با ظالمان از سوی انبیاء بوده است که همه مشکلات بشر از منظر امام در این امر نهفته است. هدف هیچ یک از انبیاء الهی و همچنین دین اسلام کشورگشایی نبوده است. بلکه هدف همه انسانها دعوت انسانها به سوی خداوند و تربیت انسانهای صالح و شایسته بوده تا بدین ترتیب زمینه تحقق عدالت و صلح پایدار ایجاد گردد.

اسلام نیامده جنگ کند و کشورگیری کند نیامده است که فتح کند، اسلام و سایر ادیان حقه میان آمده‌اند که مردم را از این خسران بیرون کنند و وارد کنند در این حصار ایمان و مع‌الاسف موفق نشده‌اند الا مقداری... این مقدار توفیق زیادی است که گروههای زیادی از انسانها را تربیت کردند و او همین مقدار تربیت و اگر این تربیت هم نبود همه کارتر بودند و همه هیتلر بودند... تمام جنگهایی که در اسلام واقع شده برای این بوده است که این جنگی‌ها و وحشی‌ها را وارد کنند در حصار ایمان، قدرت‌طلبی توی کار نبوده است.^{۲۹}

□ در دیدگاه امام خمینی، صلح واقعی جهانی با ظهور حضرت مهدی (عج) برپا خواهد شد و عدالت واقعی استقرار می‌یابد

با وجود تمام تلاش انبیاء الهی در جهت مبارزه با ظلم و تربیت انسانها و برپایی صلح و عدالت، آنان نتوانستند به طور کامل اسلحه‌دارهای بی‌صلاحیت را خلع سلاح کنند ولی این وعده الهی که زمین از عدل و داد پر می‌شود و ستمدیدگان به حقوق خود نایل می‌شوند تخلف ناپذیر است. ذخیره الهی، حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان خواهد آمد و مأموریت انبیاء الهی و معصومین را کامل کرده و به پایان خواهد رساند و هدف اصلی آنها یعنی برپایی عدالت و صلح جهانی را محقق خواهد کرد.

«تا خلع سلاح نشوند این اسلحه‌دارهای ناشایسته کار بشر سرانجام پیدا نمی‌کند، انبیاء هم آمدند که این اسلحه‌دارهای بی‌صلاحیت بی‌عقل را خلع سلاح کنند و نتوانستند، آنها قلدرد بودند، در هر عصری هم اشخاص لایق که خواستند این اسلحه را از نالایق‌ها بگیرند و خود به دست بگیرند موفق نشدند و این اسلحه در دست نالایق‌ها و بی‌عقل‌ها و غیر صالح‌ها بود همه این مشکلاتی که شما ملاحظه می‌کنید همین معناست»^{۳۰}

ابرمردی که جهان را از شر ستمگران و دغلبازان تطهیر می‌نماید و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آن را فراگرفته پر از عدل و داد می‌نماید و مستکبران را سرکوب و مستضعفان را وارثان ارض می‌نماید و حکومت عدل الهی را در سراسر زمین گسترش می‌یابد و آنچه غایت بعثت انبیاء و حامیان اولیاء بوده تحقق می‌یابد.^{۳۱}

در دیدگاه امام صلح واقعی جهانی با ظهور حضرت مهدی (عج) برپا خواهد شد و عدالت واقعی استقرار می‌یابد. همه صلح‌هایی که تا هم اکنون در جهان از سوی قدرتهای بزرگ صورت گرفته است تأمین‌کننده منافع آنها و پایمال‌کننده منافع و مصالح مظلومان بوده و هیچ توجهی به

برپایی عدالت و توسعه اخلاق نشده است و اگر هم اندک توجهی بوده به صورت شعار و در جهت ممانعت از قیام مستضعفان صورت گرفته است.

چون حضرت صاحب(عج) این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد به همه مراتب عدالت، به همه مراتب دادخواهی وقتی ایشان [حضرت مهدی] ظهور کنند تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد. تمام کجی‌ها را راست می‌کند. «یَمَأُ الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً» ظلم و جور را از تمام زمین برمی‌دارند به همان معنای مطلقش ...^{۳۳}

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی با هدف مبارزه با استکبار و نجات محرومین و مستضعفین از چنگال ظالمان و ابرقدرت‌های شرق و غرب شکل گرفت تا ندای عدالت، صلح و آسایش و آرامش را به گوش مستضعفان برسانند و در پایان قرن بیستم خط بطلانی باشد بر تمام نظریه‌هایی که صلح و عدالت را در تأمین منافع و مصالح قدرت‌طلبان و مستکبران جستجو می‌کنند. این انقلاب روح بشر را که در منجلاب حس و تجربه به پوچی رسیده بود احیا کرد و بارقه‌امیدی بود در دل عدالت‌طلبان و صلح‌خواهان تمام جهان و مقدمه‌ای برای انقلاب حضرت مهدی(عج) امام می‌فرمایند:

کشور ما قدرت خویش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را انشاءالله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می‌گذرد جلوگیری کند.^{۳۳}

نتیجه

آراء امام خمینی در مورد صلح و چگونگی تحقق آن دیدگاهی مستقل محسوب می‌گردد که از مبانی و اصول اسلام نشأت گرفته است. دو دیدگاه مطرح در مورد صلح در این دیدگاه تلفیق شده به گونه‌ای که صلح عبارت از: توقف و نبود جنگ همراه با اجرای عدالت و توسعه ارزشهای انسانی و اخلاقی.

صلحی از نظر امام مورد تأیید اسلام و معتبر و مقدس است که هدف آن اجرای عدالت و احقاق حق مظلومان باشد در غیر این صورت غیر واقعی بوده و از نظر اسلام مردود است. در صلح واقعی خصومت و جنگ متوقف می‌گردد و خسارتها جبران گشته و متجاوز معرفی



می‌گردد و روابط حسنه حاکم می‌گردد و زمینه توسعه ارزشهای اخلاقی و تعالی انسان فراهم می‌آید و انسانهای شایسته در این شرایط تربیت می‌گردند. صلح واقعی جهانی، پایدار بوده و زمینه بروز استعدادهای انسانی را ایجاد می‌نماید. انبیاء الهی نیز برای استقرار صلح قیام کردند و هدف اصلی آنها برپایی عدالت در همه زمینه‌ها بوده است ولی در این مسیر توفیق چندانی نداشتند و بوسیله ظالمان و فرعونیان زمان خود در این راه شکنجه و متوقف می‌شدند ولی وعده الهی برپایی عدل و صلح جهانی است که بوسیله آخرین حجّت خدا حضرت مهدی (عج) استقرار می‌یابد و مظلومان و مستضعفین به حقوق خود نایل می‌آیند و مستکبران مغلوب می‌شوند و صلح واقعی شرافتمندانه و برپایه تعالیم الهی برپا خواهد شد.



پی‌نوشتها:

- ۱- اصغر افتخاری، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی ۱۳۸۱، ص ۱۸۶، ص ۱۸۷.
- ۲- همان، ص ۱۸۸، ص ۱۹۰.
- ۳- همان، ص ۱۹۱.
- ۴- همان، ص ۱۹۴، ص ۱۹۵.
- ۵- همان، ص ۱۸۳.
- ۶- همان، ص ۱۸۶.
- ۷- همان، ص ۱۹۴.
- ۸- امام خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، جلد ۱۶، ص ۴۸۳.
- ۹- همان، جلد ۱۷، ص ۲۸.
- ۱۰- همان، جلد ۱۶، ص ۴۸۳.

- ۱۱- همان، جلد ۱۲، ص ۳۷۴.
- ۱۲- همان، جلد ۱۷، ص ۲۶.
- ۱۳- اصغر فرهادی، پیشین، ص ۱۸۶ - ص ۱۸۷.
- ۱۴- امام خمینی، پیشین جلد ۱۵ ص ۶۰.
- ۱۵- محمد تقی تقی پور، صلح با اشغالگران، واقعگرایی یا انتحار؟ با نگرشی بر دیدگاههای امام خمینی، نشریه جمهوری اسلامی ۷۹/۱۰/۱۰.
- ۱۶- امام خمینی، پیشین جلد ۱۸، صحیفه امام، ص ۲۶۶.
- ۱۷- محمد سهرابی، استراتژی‌های دفاعی در اندیشه امام، نشر آثار امام، چاپ ۸۴، نشر عروج ص ۱۲۶، ص ۱۲۷.
- ۱۸- منوچهر وکیلان، امام، جنگ و شهادت ص ۱۱۱ و ص ۱۱۴، ج ۱۷، ص ۲۸.
- ۱۹- همان، ج ۱۳، ص ۲۶۱.
- ۲۰- امام خمینی، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۹.
- ۲۱- محمد تقی تقی پور، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۷.
- ۲۲- همان، ج ۱۵، ص ۴۳۹.
- ۲۳- منوچهر وکیلان، پیشین، ص ۱۱۱، ص ۱۱۴، ج ۱۶، ص ۱۰۷.
- ۲۴- همان، ج ۱۷، ص ۲۸ - ۲۹.
- ۲۵- امام خمینی، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۷.
- ۲۶- همان، ج ۱۶، ص ۱۶۲.
- ۲۷- همان، ج ۳، ص ۲۹۸.
- ۲۸- همان، ص ۲۹۷.
- ۲۹- همان، ج ۱۲، ص ۴۲۴ و ۴۲۵.
- ۳۰- همان، ج ۳، ص ۲۹۷ - ۲۹۸.
- ۳۱- همان، ج ۱۴، ص ۴۷۲.
- ۳۲- همان، ج ۱۲، ص ۴۸۱ - ۴۸۲.
- ۳۳- همان، ج ۱۴، ص ۳۰۹.

